

بسم الله الرحمن الرحيم

بررسی مبدا جعل تکلیف لزوم حجاب در دین اسلام و گستره و ضیق معنای آن

فاطمه مومن زاده^۱

چکیده

حجاب از جمله واجبات دین مبین اسلام بوده و در این دین بر لزوم حفظ آن توسط بانوان تاکید شده است. در حقیقت، اسلام برای پیشگیری از وقوع بعضی از ناهنجاری هایی که از رهگذر عدم رعایت پوشش توسط بانوان ایجاد شده و محیط اجتماعی را فاسد و آلوده می کند، زنان را مأمور به خودداری از آشکار ساختن زیبایی های باطنی خویش و هر آنچه موجب تهییج شهوت مردان می شود، کرده است. البته حکمت این دستور صرفاً به منظور جلوگیری از ناهنجاری های اجتماعی نبوده و حفظ کرامت و ارزش خود زنان نیز از جمله فلسفه های این دستور الهی است. نگاشته حاضر با تکیه بر مکتوبات موجود در زمینه حجاب، مبدا جعل این تکلیف الهی را بررسی کرده است. بررسی گستره و ضیق معنای حجاب در اسلام نیز از دیگر مسائلی است که این نوشته به بررسی و تحقیق آن پرداخته است. هدف از این بررسی ها شناخت آغاز تشریع حکم وجوب حجاب، و معرفت به حدود و ثغور آن است. در این نوشته، مشخص شد که مبدا تشریع این حکم بعد از نزول آیه 31 سوره نور بوده و بر زنان، پوشاندن، تمامی بدن به جز کف دو دست و گردی صورت، لازم است.

کلیدواژه

جلباب، حجاب اسلامی، خمار، فلسفه حجاب

مقدمه

ادیان و مذاهب از دیرباز تا کنون، پیوسته پیروان خود را به مجموعه ای از احکام و آداب فرامی خوانند. بعضی از این احکام و دستورات مربوط به بُعد شخصی زندگی افراد و بعضی مربوط به بُعد اجتماعی آنهاست. دین مبین اسلام نیز به عنوان آخرین دین الهی از این قاعده مستثنی نبوده و مسلمانان را به احکام شخصی و اجتماعی دستور می دهد. از جمله احکام اسلام که به بُعد اجتماعی زندگی مربوط بوده و تاثیر به سزایی در شکل گیری محیط سالم اجتماعی دارد، دستور به لزوم رعایت حجاب توسط بانوان است که در قرآن کریم به

1- طلبه پایه پنجم مدرسه فاطمیه سلام الله علیها شهرستان باغملک، ایمیل: www.mwmn81134@gmail.com

آن تصریح شده است.^۲ از نظر اسلام، محدودیت کامیابی های جنسی به محیط خانوادگی و همسران مشروع، از جنبه روانی به بهداشت روانی اجتماع کمک می کند و از جنبه خانوادگی سبب تحکیم روابط افراد خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوجین می گردد و از جنبه اجتماعی موجب حفظ و استیفاء نیروی کار و فعالیت اجتماع می گردد و از نظر وضع زن در برابر مرد سبب می گردد که ارزش زن در برابر مرد بالا رود.^۳ حجاب در اسلام از یک مسأله اساسی نشات می گیرد و آن این است که اسلام می خواهد انواع التذاذ های جنسی اعم از لمسی، بصری و غیره به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج قانونی اختصاص یابد و اجتماع منحصرأ برای کار و فعالیت باشد بر خلاف سیستم غربی عصر حاضر که کار و فعالیت را با لذت جویی هایی جنسی به هم می آمیزد، اسلام می خواهد این دو محیط را کاملاً از ید دیگر تفکیک نماید.^۴ آرامش روانی، استحکام پیوند خانوادگی، استواری اجتماع و حفظ ارزش و احترام زن از جمله فلسفه های پوشش در دین مبین اسلام است.^۵ البته لزوم پوشش برای بانوان مختص دین اسلام نبوده و در ادیان و مذاهب قبل از اسلام نیز وجود داشته است. ویل دورانت در رابطه با مسأله پوشش در دین یهود می نویسد: «اگر زنی به نقض قانون یهود می پرداخت چنانکه مثلاً بی آنکه چیزی بر سر داشت به میان مردم می رفت و یا در مکان عمومی نخ ریزی می کرد یا با هر سخی از مردان در و دل می کرد یا صدایش آنقدر بلند بود که چون در خانه اش تکلم می نمود همسایگانش می توانستند سخنان او را بشنوند در آن صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد.»^۶ او همچنین درباره وضعیت پوشش در ایران باستان می نویسد: «پس از داریوش، مقام زن مخصوصاً در طبقه ثروتمندان تنزل پیدا کرد، زنان فقیر چون برای کارکردن ناچار از آمد و شد در میان مردم بودند آزادی خود را حفظ کردند ولی در مورد زنان دیگر گوشه نشینی زمان حیض که برایشان واجب بود رفته رفته امتداد پیدا کرد و سراسر زندگی اجتماعی شان را فرا گرفت، زنان طبقات بالای اجتماع جرات آن را نداشتند که جز در تخت روان روپوش دار از خانه بیرون آیند، زنان شوهر دار حق نداشتند هیچ مردی حتی پدر یا برادرشان را ببینند، در نقشهائی که از ایران باستان بر جای مانده هیچ صورت زنی دیده نمی شود و نامی از ایشان به نظر نمی رسد.^۷ مسأله حجاب در عصر حاضر، که با گسترش روز افزون تمدن غربی از طریق ماهواره ها و فضای ناسالم مجازی، به شدت تحت الشعاع قرار گرفته، بیشتر از گذشته مورد تحقیق و بحث محققان اسلامی و غیر اسلامی واقع شده و مطالب زیادی در تایید و یا رد آن به رشته نگارش درآمده است. نوشته پیش رو با صحنه گذاشتن بر لزوم رعایت حجاب در دین اسلام از رهگذر آیات و روایات، پاسخ به این

2 - نور: 31؛ احزاب: 59.

3- مطهری، مسئله حجاب، ص 83.

4- همان.

5- همان صص 84-95.

6 - دورانت، تاریخ تمدن، ج 12، ص 30.

7- دورانت، تاریخ تمدن، ج 1، ص 552.

سوال را که مبدا حکم به لزوم حفظ حجاب چه موقع بوده، و سعه و ضیق آن چه اندازه است را دنبال می کند. هدف از این بررسی، معرفت و شناخت زمان آغاز وجوب حجاب در دین اسلام و آشنایی با حدود و محدوده پوشش در این دین آسمانی است. هر چند نوشته های زیادی در زمینه عفاف و حجاب به رشته طبع درآمده اما بعضی از آنها اساساً مبدا جعل حکم وجوب حجاب در اسلام را پیگیری نکرده اند و بعضی دیگر^۸ نیز بدون دلیل و مستندی و صرفاً با استناد به آیه ۵۹ سوره مبارکه احزاب، مبدا آن را سال پنجم هجری و بعد از نزول این آیه دانسته اند. نویسندگان با رد ادعای پیش گفته، مبدا جعل حکم به لزوم حجاب را بعد از نزول آیه شریفه ۳۱ نور می داند. در این نگاشته، پس از بررسی معنای حجاب در لغت و اصلاح، مبدا جعل وجوب حجاب در دین اسلام و گستره معنایی آن از حیث سعه و ضیق مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.

۱- حجاب در لغت و اصطلاح

حجاب در لغت عرب، از ماده «حاء، جیم، باء» مشتق شده و توسط ارباب لغت معانی مختلفی برای آن ذکر شده است. بعضی آن را به معنای چیزی که بواسطه آن چیز دیگری در پوشش قرار گیرد و مانع وصول چیزی به دیگری شود تعریف کرده اند.^۹ بعضی، آن را مترادف با «سَتر» به معنای پوشش دانسته اند.^{۱۰} شهید مطهری درباره معنای لغوی این واژه می نویسد: کلمه حجاب در لغت، هم به معنای پوشیدن است و هم به معنای پرده و حاجب^{۱۱} البته بیشتر در معنای دوم استعمال می شود، این کلمه از آن جهت معنای پوشش می دهد که پرده وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت که به حسب اصل لغت، هر پوششی حجاب نیست بلکه به پوششی که از طریق پشت پرده واقع شدن حاصل شود، حجاب نام دارد.^{۱۲}

حجاب در اصطلاح دین اسلام به معنای پوشش مخصوصی است که توسط بانوان باید مراعات شود. البته استعمال «حجاب» در مورد پوشش زن یک اصطلاح نسبتاً جدید است، در قدیم و مخصوصاً در اصطلاح فقهاء، به جای کلمه «حجاب» کلمه «سَتر» که به معنای پوشش است به کار رفته است فاذا بهتر این بود که این کلمه عوض نمی شد و همواره از همان لفظ «سَتر» و «پوشش» استفاده می شد زیرا همانطور که بیان شد معنای شایع کلمه «حجاب» پرده است و اگر در مورد پوشش به کار برده می شود به اعتبار پشت پرده واقع شدن زن است و همین امر موجب شده که عده زیادی گمان کنند که اسلام خواسته است که زن همیشه پشت پرده و در خانه محبوس باشد و بیرون نرود در حالی که وظیفه پوشش که اسلام برای

۸- اصفهانی، مقاله بررسی مساله حجاب در نیمه اول قرن اول هجری، ص ۱۲.

۹- فراهیدی، العین، ج ۳، ص ۸۶.

۱۰- جوهری، الصحاح، ج ۱، ص ۱۰۷.

۱۱- مانع.

۱۲- مطهری، مسئله حجاب، ص ۷۸.

زنان مقرر داشته به معنای زندانی کردن زن در خانه نیست بلکه بدین معناست که زن در معاشرت خود با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه گری و خود نمایی نپردازد، آیات مربوط به حجاب همین معنی را ذکر می کند و فتوای فقهاء هم موید همین مطلب است.^{۱۳}

2- بررسی مبدا تشریع حکم حجاب

برای فهم مبدا جعل حکم لزوم پوشش، در ابتداء باید آیاتی که در رابطه با این مسئله نازل شده اند را تبیین و بررسی نمود. در مجموع دو آیه در قرآن کریم در رابطه با حجاب و پوشش نازل شده که به ترتیب بررسی و تنقیح می گردد. مخاطب این دو آیه شریفه تمامی زنان مسلمان است. در ابتدا این آیات به همراه شان نزول آن ها بیان شده و سپس در بخش بعد، کلمات استفاده شده در این آیات به منظور فهم دقیق آنها، مورد بررسی و واکاوی ، واقع می شود بعد از بیان تمامی آیات مرتبط با حجاب، مبدا تشریع لزوم حجاب بیان می شود.

2-1. آیه 30 و 31 سوره مبارکه نور

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ (30)

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (31)

(ای رسول ما) مردان مؤمن را بگو تا چشمها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندامشان را (از کار زشت با زنان) محفوظ دارند که این بر پاکیزگی (جسم و جان) آنان اصلح است، و البته خدا به هر چه کنید کاملاً آگاه است. (30)

و زنان مؤمن را بگو تا چشمها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندامشان را (از عمل زشت) محفوظ دارند و زینت و آرایش خود جز آنچه قهراً ظاهر می شود (بر بیگانه) آشکار نسازند، و باید سینه و بر و دوش خود را به مقنعه بپوشانند و زینت و جمال خود را آشکار نسازند جز برای شوهران خود یا پدران یا پدران شوهر یا پسران

خود یا پسران شوهر یا برادران خود یا پسران برادران و پسران خواهران خود یا زنان خود (یعنی زنان مسلمة) یا کنیزان ملکی خویش یا مردان اتباع خانواده که رغبت به زنان ندارند یا اطفالی که هنوز بر عورت و محارم زنان آگاه نیستند (و از غیر این اشخاص مذکور احتجاب و احتراز کنند) و آن طور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود. و ای اهل ایمان، همه به درگاه خدا توبه کنید، باشد که رستگار شوید. (31)

در کتاب کافی، در شان نزول نخستین آیه از آیات فوق از امام باقر (ع) چنین نقل شده است که جوانی از انصار در مسیر خود با زنی روبرو شد- و در آن روز زنان مقنعه خود را در پشت گوشها قرار می دادند- (و طبعاً گردن و مقداری از سینه آنها نمایان می شد) چهره آن زن نظر آن جوان را به خود جلب کرد و چشم خود را به او دوخت هنگامی که زن گذشت جوان هم چنان با چشمان خود او را بدرقه می کرد در حالی که راه خود را ادامه می داد تا اینکه وارد کوچه تنگی شد و باز هم چنان به پشت سر خود نگاه می کرد ناگهان صورتش به دیوار خورد و تیزی استخوان یا قطعه شیشه ای که در دیوار بود صورتش را شکافت! هنگامی که زن گذشت جوان به خود آمد و دید خون از صورتش جاری است و به لباس و سینه اش ریخته! (سخت ناراحت شد) با خود گفت به خدا سوگند من خدمت پیامبر می روم و این ماجرا را بازگو می کنم، هنگامی که چشم رسول خدا ص به او افتاد فرمود چه شده است؟ و جوان ماجرا را نقل کرد، در این هنگام جبرئیل، پیک وحی خدا نازل شد و آیه فوق را آورد.^{۱۴}

مخاطب آیه 31 این سوره شریفه همانطور که پیداست، تمامی زنان مومنه بوده و اختصاص به گروه خاصی از آنان ندارد. شان نزول آیه نخست از این دو آیه شریفه، به روشنی، نزول آیه دوم را در رابطه با لزوم حفظ حجاب توسط بانوان، تایید می کند.

2-2. آیه 59 سوره مبارکه احزاب

((يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَذْنٰى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا))

((ای پیامبر! به همسرانت و دخترانت و همسران کسانی که مؤمن هستند بگو: جلباب هایشان را بر خود فرو پوشند [تا بدن و آرایش و زیورهایشان در برابر دید نامحرمان قرار نگیرد]. این [پوشش] به اینکه [به عفت و

پوشش و حرمت نظر، کنیزان با زنان آزاد فرق می‌کنند. بر کنیزان واجب نیست که سرهای خود را بپوشانند و حال آنکه بر زنان آزاد لازم است سر خود را بپوشانند. ظاهراً سر مطلب خدمتکاری آنهاست. علی هذا بعید نیست که غلامان نیز چنین استثنائی داشته باشند.

ولی همچنان که گفتیم از نظر فتوای فقها این حکم بعید است اما از طرف دیگر حمل جمله «أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ» به خصوص کنیزان نیز بسیار مستبعد است.

اگر بخواهیم استثنای مملوک را منحصر به کنیزان بدانیم باید بگوییم زنان آزاد بر یکدیگر مطلقاً محرم می‌باشند ولی کنیزان برای زنان آزاد محرم نیستند مگر زنان آزادی که مالک این کنیزان می‌باشند. و وقتی این مطلب را هم بدین فتوا اضافه کنیم که بسیاری از فقها پوشش را برای کنیز حتی نسبت به مردان بیگانه واجب ندانسته‌اند نتیجه خیلی عجیب خواهد بود، زیرا نتیجه این است که کنیز بر همه مردان محرم است و زنان آزاد بر کنیزان نامحرم می‌باشند، یعنی کنیز کاملاً در حکم یک مرد است. البته چنین چیزی درست نیست.^{۳۸}

11- او التابعین غیر اولی الاربة من الرجال: "اربة" در اصل از ماده "ارب" (بر وزن عرب)، چنان که راغب در مفردات می‌گوید: به معنی شدت احتیاج است که انسان برای بر طرف ساختن آن چاره جویی می‌کند، گاهی نیز به معنی حاجت بطور مطلق استعمال می‌شود.^{۳۹} آیت الله مکارم در تفسیر این بخش از آیه شریفه می‌نویسد:

منظور از "أُولَى الْأَرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ" در اینجا کسانی هستند که میل جنسی دارند و نیاز به همسر بنا بر این "غَيْرِ أُولَى الْأَرْبَةِ" کسانی را شامل می‌شود که این تمایل در آنها نیست. در اینکه منظور از این عنوان چه کسانی است؟ در میان مفسران گفتگو است: بعضی آن را به معنی پیر مردانی دانسته‌اند که شهوت جنسی در آنها خاموش شده است، مانند "الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ" (زنانی که از سر حد ازدواج بیرون رفته‌اند و از این نظر بازنشسته شده‌اند)، بعضی دیگر آن را به مردان "خصی" (خواجه) و بعضی دیگر به "خنثی" که آلت رجولیت مطلقاً ندارد تفسیر کرده‌اند، اما آنچه بیش از همه می‌توان روی آن تکیه کرد و در چند حدیث معتبر از امام باقر ع و امام صادق ع نقل شده این است که منظور از این تعبیر مردان ابلهی است که به هیچ وجه احساس جنسی ندارند، و معمولاً از آنها در کارهای ساده و خدمتکاری استفاده می‌کنند، تعبیر به "التابعین" نیز همین معنی را تقویت می‌کند: اما از آنجا که این وصف یعنی عدم احساس میل جنسی درباره گروهی از پیران صادق است بعید نیست که مفهوم آیه را توسعه دهیم و این دسته از پیر مردان نیز در معنی آیه داخل باشند. در حدیثی

38- مطهری، مسئله حجاب، ص 158-160.

35- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص 72.

از امام کاظم ع نیز روی این گروه از پیر مردان تکیه شده است. ولی به هر حال مفهوم آیه این نیست که این دسته از مردان همانند محارمند، قدر مسلم این است که پوشیدن سر یا کمی از دست و مانند آن در برابر این گروه واجب نیست.^{۴۰}

12- او الطفل الذین لم یظهروا علی عورات النساء: شهید مطهری در رابطه با تفسیر این بخش از آیه شریفه می فرماید: این قسمت را نیز دو جور می توان تفسیر کرد. کلمه «لَمْ یَظْهَرُوا» از ماده «ظهور» است و با کلمه «علی» متعدی شده است. ممکن است ترکیب این دو کلمه مفهوم «اطلاع» را بدهد، پس معنی چنین می شود: کودکانی که بر امور نهانی زنان آگاه نیستند. و ممکن است مفهوم «غلبه و قدرت» را بدهد، پس معنی چنین می شود: کودکانی که بر استفاده از امور نهانی زنان توانایی ندارند، طبق احتمال اول مراد بچه های غیر ممیز هستند که قدرت تشخیص این گونه مطالب را ندارند. اما طبق احتمال دوم مقصود بچه هایی است که قدرت بر امور جنسی ندارند یعنی غیر بالغ می باشند هر چند ممیز بوده باشند. طبق احتمال دوم اطفالی که همه چیز می فهمند و نزدیک به حد بلوغ می باشند ولی بالغ نمی باشند جزء استثناها هستند. فتوای فقها نیز بر طبق این تفسیر است.

4- بیان چند نکته

بعد از بیان، مستثنیات حرمت آشکار کردن زینتهای باطنی، هم اکنون به ذکر چند نکته در رابطه با آیه شریفه، اشاره می شود:

1- هر گونه، عوامل تحریک ممنوع

خداوند متعال در بخش آخر آیه شریفه مورد بحث، برای تاکید بر لزوم حفظ عفت توسط بانوان و پرهیز از هر گونه خود نمائی می فرماید: «و لا یضربنَ بارجلهنَّ لیعلمَ ما یخفینَّ من زینتهنَّ» نباید زنان به هنگام راه رفتن پاهای خود را چنان به زمین کوبند تا صدای خلخالهایشان به گوش رسد! این امر نشان می دهد که اسلام به اندازه ای در مسائل مربوط به عفت عمومی سختگیر و مو شکاف است که حتی اجازه چنین کاری را نیز نمی دهد، و البته به طریق اولی عوامل مختلفی را که دامن به آتش شهوت جوانان می زند مانند نشر عکسهای تحریک آمیز و فیلمهای اغوا کننده و رمانها و داستانهای جنسی را نخواهد داد، و بدون شک محیط اسلامی باید از اینگونه مسائل که مشتریان را به مراکز فساد سوق می دهد و پسران و دختران جوان را به آلودگی و

40- مکارم، تفسیر نمونه، ج 14، ص 453.

فساد می‌کشاند پاک و مبرا باشد.^{۴۱} شهید مطهری در ذیل این آیه شریفه، می‌نویسد: از این دستور می‌توان فهمید که هر چیزی که موجب جلب توجه مردان می‌گردد مانند استعمال عطرهای تند و همچنین آرایش های جالب نظر در چهارممنوع است، به طور کلی زن در معاشرت نباید کاری کند که موجب تحریک و تهییج و جلب نظر مردان نامحرم گردد.^{۴۲}

2- عدم ذکر عمو و دایی در آیه شریفه

از مطالب سؤال‌انگیز اینکه در آیه فوق ضمن بیان محارم به هیچوجه سخنی از عمو و دایی در میان نیست، با اینکه به طور مسلم محرمند و حجاب در برابر آنها لازم نمی‌باشد. آیت الله مکارم در جواب از این سوال می‌نویسد:

ممکن است نکته آن این باشد که قرآن می‌خواهد نهایت فصاحت و بلاغت را در بیان مطالب به کار گیرد و حتی یک کلمه اضافی نیز نگوید، از آنجا که استثنای "پسر برادر" و "پسر خواهر" نشان می‌دهد که "عمه" و "خاله" انسان نسبت به او محرمند روشن می‌شود که عمو و دایی یک زن نیز بر او محرم می‌باشند و به تعبیر روشنتر محرمیت دو جانبه است، هنگامی که از یک سو فرزندان خواهر و برادر انسان بر او محرم شدند، طبیعی است که از سوی دیگر و در طرف مقابل عمو و دایی نیز محرم باشند.^{۴۳} علامه طباطبایی در پاسخ این سوال به نقل از بعضی مفسران دیگر می‌نویسد: اگر عموها و داییهای آنان را نام نبرد، برای این است که ممکن بود عموی یکی از زنان رسول خدا (ص) بعد از گفتگوی با او برود، و برای پسرش تعریف کند، که برادر زاده و یا خواهرزاده من، چنین و چنان است و ویژگی های آن را برای آنها که از محارم محسوب نمی‌شوند بازگو نماید.^{۴۴}

3- استثناء وجه و کفین

در اینکه آیا حکم حجاب، صورت و دستها حتی از مچ به پائین را نیز شامل می‌شود یا نه، در میان فقهاء بحث فراوان است، بسیاری عقیده دارند که پوشاندن این دو (وجه و کفین) از حکم حجاب مستثنی است، در حالی که جمعی فتوا به وجوب پوشاندن داده، یا حد اقل احتیاط می‌کنند، البته آن دسته که پوشاندن این دو را واجب نمی‌دانند نیز آن را مقید به صورتی می‌کنند که منشا فساد و

41- همان، ج 14، ص 454.

42- مطهری، مسئله حجاب، ص 162.

43- مکارم، تفسیر نمونه، ج 14، ص 454.

44- موسوی، ترجمه تفسیر المیزان، ج 16، ص 507.

انحرافی نگردد، و گر نه واجب است، در آیه فوق قرائنی بر این استثناء و تایید قول اول وجود دارد از جمله:

الف: استثناء "زینت ظاهر" در آیه فوق خواه به معنی محل زینت باشد یا خود زینت دلیل روشنی است بر اینکه پوشاندن صورت و کفین لازم نیست.

ب: دستوری که آیه فوق در مورد انداختن گوشه مقنعه به روی گریبان می‌دهد که مفهومی پوشانیدن تمام سر و گردن و سینه است و سخنی از پوشانیدن صورت در آن نیست قرینه دیگری به این مدعا است. توضیح اینکه: همانگونه که در شان نزول نیز گفته‌ایم عربها در آن زمان روسری و مقنعه‌ای می‌پوشیدند که دنباله آن را روی شانه‌ها و پشت سر می‌انداختند به طوری که مقنعه پشت گوش آنها قرار می‌گرفت و تنها سر و پشت گردن را می‌پوشاند، ولی قسمت زیر گلو و کمی از سینه که بالای گریبان قرار داشت نمایان بود. اسلام آمد و این وضع را اصلاح کرد و دستور داد دنباله مقنعه را از پشت گوش یا پشت سر جلو بیاورند و به روی گریبان و سینه بیندازند و نتیجه آن این بود که تنها گردی صورت باقی می‌ماند و بقیه پوشانده می‌شد.

ج: روایات متعددی نیز در این زمینه در منابع اسلامی و کتب حدیث، وارد شده است که شاهد زنده‌ای بر مدعا است؛ هر چند روایات معارضی نیز دارد که در این حد از صراحت نیست، و جمع میان آنها از طریق استحباب پوشاندن وجه و کفین، و یا حمل بر مواردی که منشا فساد و انحراف است کاملاً ممکن است، شواهد تاریخی نیز نشان می‌دهد که نقاب زدن بر صورت در صدر اسلام جنبه عمومی نداشت، ذکر این نکته نیز لازم است که استثناء وجه و کفین از حکم حجاب مفهومی این نیست که جائز است دیگران عمداً نگاه کنند، بلکه در واقع این یک نوع تسهیل برای زنان در امر زندگی است.^{۴۵}

نتیجه

در مقاله پیش رو، آیات مختلف در زمینه پوشش و حجاب بیان و تنقیح شد. بعد از بررسی‌های مختلف، مشخص شد که قبل از اسلام، زنان عصر جاهلیت تقییدی به رعایت پوشش نداشته و موی سر، گردن و سینه خود را از نامحرمان، نمی‌پوشاندند. بعد از این که خداوند متعال آخرین دین خود را به وسیله فرستادن حضرت محمد (ص) و مبعوث کردن ایشان به پیامبری، بر مردم فروفرستاد، با نزول آیه 31 سوره نور، زنان را ملزم به رعایت حجاب و پوشاندن تمامی بدن به جز کف دو دست و گردی صورت نمود. همچنین آنها را از هر گونه خود نمائی کردن برای نامحرمان، بر حذر داشت. خداوند متعال بعد از تشریع حکم حجاب و بیان این که زنان دارای دو زینت ظاهری و باطنی اند،

آشکار کردن زینتهای ظاهری شان برای افراد نامحرم، بدون اشکال دانست. علاوه بر استثناء مذکور، آشکار کردن زینتهای باطنی را نیز برای شوهر، پدر، پدر شوهر، برادر، فرزندان برادر، خواهر، فرزندان خواهر، زنان مسلمان، کنیزان، مردانی که تمایل جنسی ندارند و اطفال غیر بالغ، جایز دانست. البته هر کدام از این دو استثناء (آشکار کردن زینت های ظاهری، و آشکار کردن زینت های باطنی برای افراد مذکور) منوط به عدم تهییج شهوت دیگران است.

منابع

*قرآن کریم

- 1- مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، انتشارات صدرا، تهران، چهل و نهم، ه-ش.
- 2- ملکی اصفهانی، سید روح الله، مقاله بررسی حجاب در نیمه اول قرن هجری، پژوهش های مدیریت علوم انسانی در ایران، دهم، 1401 ه-ش.
- 3- مکارم، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، دهم، 1371 ه-ش.
- 4- بحرانی، هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، موسسه البعثه، قم، اول، 1415 ه-ق.
- 5- جوهری، اسماعیل، الصحاح، دار العلم الملايين، بیروت، اول، 1376 ه-ق.
- 6- حویزی، عبد علی، نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، ایران، چهارم، 1415 ه-ق.
- 7- راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ القرآن، دار القلم، بیروت، اول، 1412 ه-ق.
- 8- فراهیدی، خلیل، العین، نشر هجرت، قم، دوم، 1409 ه-ق.
- 9- کلینی، محمد، الکافی، دار الحدیث، قم، اول، 1429 ه-ق.
- 10- دورانت، ویل، تاریخ تمدن، انتشارات اقبال، تهران، اول، 1337 م.